باسمه تعالی خارج فقه ج ۲ - حد کعب پا در وضو - 1401/7/10

( مسح پا در وضو - ادامه اشکالات به تفسیر علامه از کعب پا - استناد مشهور به روایات دیگر در حد کعب - اشکال استاد )

در جلسه قبل گفته شد که مرحوم علامه در کتب مختلفی درباره مسح پا فتوا دادند از نوک انگشتان تا مفصل کشیده شود و اعتماد ایشان به روایتی بود و اشکالاتی به ایشان وارد شده بود .

اما اشکال سوم : مفصل چه بسا مرکز تجمع استخوانها باشد و منظور امام از مفصل کنار ساق پا نباشد و این حرف از دو قسمت روایت بدست می آید :

قسمت اول : عبارت و الکعب اسفل من ذلک[[1]](#footnote-1) که قوزک پا پایین تر از مفصل است .

قسمت دوم : امام بلافاصله فرمودند هیهنا یعنی المفصل دون عظم الساق که اینجا مفصل است و استخوان ساق نیست پس استفاده می‌شود که مفصل محل تجمع عروق است لذا از این عبارت نمی شود استفاده کرد که انتهای مسح نرسیده به ساق پا است.

اشکال چهارم : دون عظم الساق چند معنا است :

اول : به معنای عند باشد یعنی آن مفصلی که نزد استخوان ساق پا است آن دو قوزک سمت راست و چپ است که طبق این قول موافق عامه می‌شود

دوم : به معنای اسفل باشد یعنی آن قبه ای که وسط پا است که آن قبه آخر مسح است

سوم : به معنای غیر باشد یعنی غیر استخوان ساق که همان قبه روی پا می باشد که طبق معنای دوم و سوم مطابق شیعه است حال برخی حکم به اجمال حدیث کرده اند اما نظر ما این است که حکم به اجمال نمی کنیم چون با وجود اتفاق فقها و در جامعه مومنین همه مسح را تا بالای قبه پا آنگاه می دهند پس دون به معنای عند نیست که دیگر نظریه عامه ثابت نمی شود

مؤید نظریه مشهور : که مفصل ساق نیست و پایین تر است روایات قطع دست و پای دزد است که قطع تا قوزک پا است یعنی تا کعب ، چون آن پاشنه پا باشد و بتواند در نماز ایستاده بخواند حال در آنجا هم کعب به مفصل نمی گویند بلکه به آن قبه ای که روی پا است می باشد:

مرحوم صاحب جواهر[[2]](#footnote-2) می فرماید که به قطع می توان گفت که کعب همان قبه روی پا است چون روایات قطع پای دزد قرینه بر این مطلب است

اما یکی از روایاتی که بر نظر مشهور می توان استدلال کرد روایات عدم وجوب استبطان شراک [[3]](#footnote-3) است ، معمولا بند کفش عربی کل پا را نمی پوشاند ( شِراک یعنی بند کفش ) که کندن کفش لازم نیست چون آن بند مانع رسیدن به آب نیست حال این روایات نشان می دهد منظور از کعب همان قبه پا است چون شراک زیر قبه قرار می گیرد وقتی امام علیه السلام مسح را روی شراک جایز می دانند معلوم است که آخر مسح قبه است چون شراک زیر قبه است

منها :وعن المفيد، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن الحجال، عن ثعلبة بن ميمون، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام، أن عليا عليه السلام مسح على النعلين ولم يستبطن الشراكين. [[4]](#footnote-4) ( داخل نفرستادند آب را در زیر شراک )

منها : محمد بن علي بن الحسين بإسناده، عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: ابن سعيد، وأبيه محمد بن عيسى، عن محمد بن أبي عمير، عن ابن أذينة، عن زرارة وبكير ابني أعين، عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال في المسح، تمسح على النعلين ولا تدخل يدك تحت الشراك، [[5]](#footnote-5)وإذا مسحت بشئ من رأسك، أو بشئ من قدميك ما بين كعبيك إلى أطراف الأصابع فقد أجزأك.

اشکال استاد :

اولا : ظهور حدیث این است که شراک مانع مسح نیست اما ظهور در منتهای مسح نیست که قبه است بلکه ظهور حدیث این است که اگر کسی کفش عربی داشت هنگام مسح نمی خواهد در بیاورد بلکه با همان کفش مسح کند

ثانیا : بسیاری از کفشهای عربی شراک بالای قبه و یا بخشی از قبه را پوشانده است در حالی که در تفسیر فقها از کعب آن استخوانی است که روی پا روییده شده است

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص273، أبواب الوضوء، باب15، ح3، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/273/اصلحک) [↑](#footnote-ref-1)
2. [جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج2، ص220.](http://lib.eshia.ir/10088/2/220/محله) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص292، أبواب الوضوء، باب23، ح8، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/292/الشراکین) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص324، أبواب الوضوء، باب38، ح11، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/324/یستبطن) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج1، ص292، أبواب الوضوء، باب23، ح6، ط الإسلامية.](http://lib.eshia.ir/11024/1/292/الشراک) [↑](#footnote-ref-5)